

گفت‌و‌گو با محمود گودرزی درباره ترجمه فیلم

سعید عامری

سعید عامری: جناب گودرزی لطفاً کمی از خودتان بگویید. چه شد مترجم فیلم شدید؟ از چه مسیری به ترجمه فیلم رسیدید؟

محمود گودرزی: اولین بار دوستی که آگهی درخواست مترجم یک شرکت ویدئو رسانه را دیده بود از من خواست تعدادی فیلم را از فارسی به فرانسوی برای این شرکت ترجمه کنم. این ترجمه برای زیرنویس دی‌وی‌دی فیلم‌های ایرانی این مؤسسه بود. بعد در سایت انجمن گویندگان جوان مشکلات بعضی از ترجمه‌هایشان را مطرح کردم، در نتیجه دعوت شدم تا بروم و برای آنها انیمیشن‌هایی ترجمه کنم که دوبله می‌شد.

عامری: پس شما علاوه بر زبان انگلیسی به زبان فرانسوی هم اشراف دارید. آیا تحصیلات دانشگاهی شما ارتباطی به ترجمه هم دارد؟

گودرزی: بله. در دانشگاه تهران در مقطع لیسانس ادبیات فرانسه خوانده‌ام و در همان دانشگاه فوق‌لیسانس مترجمی زبان فرانسه؛ البته پایان‌نامه نوشتم و ترک تحصیل کردم.

عامری: مترجم فیلم چه جور مترجمی است؟ تفاوتش با دیگر مترجمان مثلاً ادبی یا شفاهی در چیست؟

گودرزی: من در زمینه ترجمه شفاهی، جز یک مورد، تجربه‌ای ندارم. اما در مورد کتاب، چون سابقه ترجمه ادبی دارم و آثاری را برای نشرهای مروارید، هیرمند، چترنگ، علمی و فرهنگی، دیبایه و اخیراً افق ترجمه کرده‌ام می‌توانم به برخی تفاوت‌های این دو نوع ترجمه اشاره کنم. ترجمه فیلم بنابه تقاضای کارفرما و بازار سرعت زیادی می‌طلبد و مترجم باید بتواند در فاصله چندروز تا یک هفته یک فیلم سینمایی عادی را ترجمه کند. البته استثناء هم هست. اما در مورد کتاب و به‌خصوص نوشته‌های ادبی، جمله‌ها طوری است که لازم است

مترجم وقت و زمان بیشتری صرف یافتن معادل‌ها کند و حوصله و دقت بیشتری به خرج دهد. در ترجمه فیلم، زبان دیالوگ و گفت‌وگو غالب است و مترجم باید به محاوره شکسته بنویسد و برعکس، در کتاب بیشتر زبان نوشتار به کار می‌رود. در صداوسیما عده‌ای به نام ویراستار مشغولند که پیش از مدیر دوبلاژ متن را تغییر می‌دهند. اطلاعات چندانی در مورد کار آنها ندارم، زیرا بیشتر با مؤسسات خصوصی همکاری کرده‌ام. در بخش خصوصی ویراستار نداریم. اما در فضای نشر، ویراستاران و نمونه‌خوانان فعالند. همان‌طور که گفتم در ترجمه فیلم سرعت بسیار مهم است و به علت کوتاه‌بودن زمان ترجمه، چیزی به‌عنوان قرارداد وجود ندارد. یعنی سفارش‌دهنده (استودیو) به صورت شفاهی کار را سفارش می‌دهد و ترجمه بر اساس اعتماد طرفین انجام می‌شود. اما چند تفاوت بارز ترجمه فیلم نسبت به ترجمه متن: مترجم فیلم علاوه بر متن، باید به تصویر هم توجه کند. جدا از مسئله سینک بودن جملات (کوتاه یا بلند بودنشان) مترجم باید به وضعیت و موقعیت گوینده دقت کند و گاهی جملات را براساس آنچه می‌بیند تاحدی عوض کند. مثلاً اگر خشم شدیدی در چهره بازیگر ببیند و حس کند که ترجمه دقیق کلمات چندان رسا و گویای حالت فرد نیست، می‌تواند خشونت بیشتری به محتوای جمله‌اش بدهد. مترجم فیلم صرفاً مترجم نیست و اجازه دارد در متن دیالوگ‌ها دخل و تصرف کند. به‌همین دلیل در فرانسه به مترجمان فیلم اقتباس‌گر *Adaptateur* می‌گویند. در ترجمه فیلم، مترجم نمی‌تواند توضیحی را به صورت پانویس وارد دوبله کند، بنابراین باید نزدیک‌ترین معادل‌ها را پیدا کند و اگر جمله اصلی برای شنونده و بیننده ایرانی گنگ و نامفهوم باشد، مثلاً به موضوعی خاص اشاره کند که برای ایرانیان نامأنوس و غریب است، می‌تواند با حفظ تأثیر و روح کلام، آن را تاحدی تغییر دهد. گاهی علت این تغییرات، مسئله سینک‌بودن جملات است.

تفاوت دیگر ترجمه فیلم و کتاب این است که مترجم فیلم در مورد انتخاب آزادی چندانی ندارد و نهایتاً می‌تواند سفارشی را نپذیرد. این‌طور نیست که فیلمی را ببیند و خوشش بیاید و بخواهد آن را ترجمه کند. در مورد کتاب این آزادی وجود دارد. از این رو مترجم فیلم همواره با تجربه‌ای تازه و غیرمنتظره مواجه است و این تازگی و غافلگیری از دشواری‌های کار مترجم فیلم است. مترجم کتاب می‌تواند صرفاً رمان ترجمه کند، یا رمان‌های قرن نوزدهمی یا صرفاً کتب علمی. اما مترجم فیلم باید برای ترجمه فیلم‌هایی با انواع موضوع‌ها و سبک‌ها آماده باشد.



عامری: آیا از مترجم فیلم انتظار می‌رود که ترجمه‌اش به گونه‌ای باشد که مدیر دوبلاژ زحمت کمتری برای سینک ترجمه متقبل شود. به بیان دیگر، از مترجم این انتظار می‌رود که ترجمه‌هایش بیش از حد بلند نباشند؟

گودرزی: بله. وگرنه چه فرقی با مترجم‌های دیگر دارد؟ اگر مترجمی درست هم ترجمه کند ولی به کوتاه و بلندی جمله دقت نکند، ترجمه‌اش از نظر مدیر دوبلاژ مناسب دوبله نیست. می‌توان تصور کرد که تغییر بنیادی جملات چقدر زمان‌بر است و چقدر می‌تواند به انسجام متن لطمه وارد کند.

عامری: در حال حاضر شرایط ترجمه حرفه‌ای فیلم را چگونه می‌بینید؟ به نظر شما مترجمانی مثل خودتان چه مشکلاتی دارند؟

گودرزی: به نظرم شرایط از نظر کیفی روبه‌افول است. دلایل مختلفی دارد: دستمزدهای ترجمه فیلم حقیقتاً در شأن این کار نیست و با وجود دشواری‌های موجود، جز افراد عاشق و از خود گذشته کسی در این حرفه دوام نمی‌آورد. دیگر اینکه مترجم فیلم وجهه و اعتبار اجتماعی چندانی هم ندارد. مترجم کتاب اعتباری شبیه اعتبار نویسندگان دارد و ارج و احترام می‌بیند. اما مترجم فیلم از این هم محروم است و جز گمنامی و فقر بهره‌ای ندارد. برخی از مدیران دوبلاژ هم به این شغل لطمه می‌زنند، همان‌طور که به خود دوبله لطمه می‌زنند. ترجمه زیربنای دوبله است و هرمدیر دوبلاژ مجرب و کارآموده‌ای این را می‌داند. مدیران دوبلاژی که به دوبله ترجمه‌های ضعیف و احتمالاً ارزان‌قیمت تن می‌دهند، هم مترجمان خوب را دلسرد می‌کنند و هم دوبله‌هایی بی‌ارزش تحویل مخاطبان می‌دهند.

عامری: هنگام قبول سفارش ترجمه از سوی مترجم به وی دقیقاً چه چیز داده می‌شود؟ فیلم‌نامه، فیلم ...؟

گودرزی: تصویر فیلم به مترجم داده می‌شود. اگر حقوق اثر خریداری شده باشد، لیست دیالوگ‌ها هم در قالب فایل ورد به او داده می‌شود. در این لیست، نام شخصیت فیلم و

دیالوگی که گفته می‌شود در یک طرف نوشته شده است و مترجم باید ترجمه را روبه‌روی آن بنویسد. اگر متن فیلم خریداری نشود، مترجم موظف است بر اساس تصویر فیلم (با زیرنویس زبان اصلی یا بدون آن) آن را ترجمه کند، به این ترتیب که نام شخصیت را می‌نویسد و جلوی آن، ترجمه دیالوگش را.

عامری: آقای گودرزی شما تقریباً تجربه ترجمه انواع مختلف محصولات سینمایی مثل فیلم، سریال، انیمیشن و مستند را داشته‌اید. فرق اساسی بین این گونه‌های مختلف چیست؟

گودرزی: من این گونه‌ها را به دو دسته داستانی و غیرداستانی تقسیم می‌کنم. در ترجمه‌های غیرداستانی، مترجم باید به کلیت موضوع اشراف داشته باشد و از مراجع تخصصی مثل فرهنگ‌ها و افراد کارشناس استفاده کند. زبان مستندها براساس موضوع و سبک آنها می‌تواند محاوره یا نوشتار باشد. اما در مورد آثار داستانی، مترجم باید حافظه خوبی داشته باشد تا جزئیات داستان را فراموش نکند. این مسئله در مورد ترجمه هر فیلمی صدق می‌کند، اما در مورد سریال، به دلیل طولانی بودن و خطر فراموش شدن برخی جزئیات، اهمیتش حیاتی است. در ترجمه کارهای کودکان و نوجوانان، رعایت برخی نکات فرهنگی بسیار مهم است. البته من استفاده از کلمات جدید و ناآشنا را برای کودکان بد نمی‌دانم چون معتقدم یکی از کارکردهای فیلمهای کودکان این است که به کودکان در یادگیری زبان مادریشان کمک کند.

عامری: آقای گودرزی موضوع جالبی که درباره مستند وجود دارد این است که در مستند مساله سینک کردن با دوبله متفاوت است چون معمولاً صدای اصلی زیر ترجمه شنیده می‌شود و ترجمه هم با کمی تأخیر پس از آغاز صدای اصلی شروع می‌شود و گاهی اوقات هم زودتر به پایان می‌رسد. آیا معمولاً از شما می‌خواهند که ترجمه‌ای کوتاه‌تر بنویسید که بین این دو زمان قرار بگیرد؟ مورد دیگری که شنیدم این است که در ترجمه مستند (یا خبر) گاهی اوقات باید آن چند کلمه‌ای که قبل از شروع ترجمه شنیده می‌شود به گونه‌ای تحت‌اللفظی ترجمه شود تا نسبت به درستی و دقت ترجمه اطمینان خاطر در بیننده ایجاد کند. شما چقدر به این موارد توجه دارید؟

گودرزی: الزاماً همه مستندها به این شکل دوبله نمی‌شوند. برای مستندهایی که من ترجمه کرده‌ام درست مثل فیلم باند صدا ساخته بودند. مثلاً «رابین هود واقعی» یا «خروج از کادو فروشی» که از شبکه مستند پخش شدند، عیناً مثل فیلم سینک و دوبله شده بودند و

گفت‌وگو با محمود گودرزی درباره ترجمه فیلم ۱۲۳/۱۱۱۱

زبان اصلی شنیده نمی‌شد. متأسفانه چیزی در مورد جلب‌اطمینان بیننده نشنیده‌ام. شاید در کشورهای دیگر که مخاطبان اغلب به زبان‌های دیگر هم آشنا هستند صدق کند، اما در مورد مخاطبان ایرانی بعید می‌دانم صادق باشد.

عامری: شنیده‌ام که مترجمین فیلم اصولاً باید ترجمه‌ای دقیق از ترجمه را به دست مدیردوبلاژ برسانند و سانسور وظیفه مترجم فیلم نیست. این موضوع تاچه حد صحت دارد؟

گودرزی: سانسور وظیفه هیچ مترجمی نیست. اما بستگی دارد که چه ترجمه‌ای را ترجمه دقیق بدانید. برخی از دشنام‌ها را اگر عیناً به فارسی ترجمه کنیم بسیار رکیک‌تر از مقصود بازیگر خارجی است. یعنی زشتی آن در فرهنگ ما بیشتر از آن چیزی است که در فرهنگ سازندگان فیلم است. برای مثال، اگر کلمه‌ای رکیک از زبان معلمی عیناً ترجمه شود، مثل این است که او را همسطح اراذل و اوباش وطنی قرار داده باشیم. یعنی بارمعنایی آن دشنام با معادل کلمه‌به‌کلمه فارسی آن سازگار نیست و باید چیزی معتدل‌تر جای آن بگذاریم که همان بارمعنایی را داشته باشد. در چنین مواردی تعدیل را نه تنها جایز بلکه لازم می‌دانم.

عامری: منظور بیشتر تغییرات در سطح کلان است. یعنی تغییر پیرنگ داستان یا عوض کردن گفت‌وگوها در بعضی سکانس‌ها.

گودرزی: هیچکدام. نیت ابداً تغییر نیست. بلکه رساندن مفهومی است که مدنظر فیلمنامه‌نویس بوده. و اگر حتی نیاز به سانسور یا تغییر باشد، مترجم این کار را نمی‌کند. من در مقام مترجم فقط ترجمه می‌کنم.

عامری: آقای گودرزی در تحقیقاتی که در اروپا انجام گرفته‌است، تأکید زیادی بر شیوه‌های صحیح گفت‌وگونویسی در ترجمه دوبله است. منظور از شیوه صحیح این است که ترجمه بوی ترجمه ندهد و طبیعی به نظر برسد. در ایتالیا به زبان دوبله "داییز" می‌گویند، یعنی زبانی که تحت تأثیر زبان مبدأ از زبان گفتار فاصله گرفته است.

گودرزی: در مورد درست‌نوشتن زبان صددرصد با شما موافقم. رعایت نکات دستوری و نگارشی ضروریست، چون فیلم و تلویزیون مخاطبان بیشتری نسبت به رسانه‌های دیگر دارند و تأثیرشان گسترده‌تر است. اما به‌هرحال زبان ترجمه، همیشه چیزی بین زبان مبدأ و زبان مقصد است. نه می‌تواند آنقدر بومی باشد که بیننده فکر کند بازیگران فارسی‌زبان در فیلم بازی می‌کنند، و نه آنقدر بیگانه و مصنوعی که درکش دشوار و بیانش زنده باشد.

عامری: پس از دریافت ترجمه از سوی مترجم، آیا بعداً با مترجم مکاتبه‌ای صورت می‌گیرد؟ مخصوصاً زمانی که ترجمه سینک زده می‌شود؟ مثلاً برای کنترل کیفی، مشورت ...؟

گودرزی: مشاوره بله، اما نه به صورت کتبی. فرصت این کار نیست. مدیر دوبلاژ حین سینک زدن و آماده‌سازی دیالوگ‌ها ممکن است با نکته‌ای مواجه شود و شفاهی از مترجم بپرسد و مشورت بگیرد.

عامری: حق الزحمه ترجمه فیلم الان چگونه است؟ و این نرخ بر چه اساس و توسط چه سازمانی تعیین می‌گردد؟

گودرزی: در صداوسیما واحد دوبلاژ مسئول این کار است و دستمزد را دقیقه‌ای پرداخت می‌کنند. تاجایی که اطلاع دارم این مبلغ رقمی بین ۱۸۰۰ تومان تا ۶۰۰۰ تومان بابت هر دقیقه است، بسته به سادگی یا دشواری کار و همچنین سابقه و توانایی مترجم. خارج از صداوسیما، استودیوها نرخ تعیین می‌کنند. معمولاً براساس مبلغ کلی دوبله. چیزی حدود یک‌دهم آن را به مترجم می‌دهند و فیلم‌ها را پروژه‌ای حساب می‌کنند. مثلاً به من سیصد و پنجاه هزار تومان بابت هر فیلم می‌دهند و به مترجمان کم‌سابقه‌تر کمتر. البته مستندها را دقیقه‌ای ۴۰۰۰ تومان محاسبه می‌کنند. سرعت مترجمان هم فرق دارد. مترجمانی هستند که در ماه ده فیلم ترجمه می‌کنند. چطور یا با چه کیفیتی نمی‌دانم. من بیشتر از چهار الی پنج فیلم نمی‌توانم ترجمه کنم.

عامری: آیا ترجمه برای شرکت‌های خصوصی (مثلاً قرن ۲۱) با ترجمه برای صداوسیما فرق دارد؟ یعنی هنجارهای خاصی دارند؟

گودرزی: بله. در تلویزیون فردی کارها را بین مترجمان شناخته‌شده سازمان توزیع می‌کند. در مؤسسات خصوصی همه‌چیز به استودیو بستگی دارد. استودیو براساس نیازش می‌تواند همه کارها را به یک مترجم یا مترجمان معدودی بدهد، از مترجمی زیاد و از مترجمی به‌ندرت استفاده کند.

عامری: ظاهراً در فیلمهای صداوسیما اسم مترجم ذکر نمی‌شود ولی در فیلمهای پخش خانگی گاه اسم مترجم را بر روی محصول و در تبلیغات ذکر می‌کنند. نظر شما در این مورد چیست؟

گودرزی: در فرانسه معمولاً نام همه عوامل دوبله در انتهای تیتراژ پایانی درج می‌شود. مؤسسات حدوداً ده سالی است که به صورت شفاهی اسم مدیر دوبلاژ و مترجم را اول فیلم می‌گویند، ولی از صدابردار و عوامل فنی نامی برده نمی‌شود. شاید در تلویزیون تصور این

گفت‌وگو با محمود گودرزی درباره ترجمه فیلم ۱۲۵/۱۱۱۱

باشد که توجه مخاطب از اصل موضوع به حواشی فیلم جلب می‌شود. به‌نظرم بهترین کار، درج اسم‌ها در انتهای تیتراژ است. بد نیست مخاطب هم بداند چه کسانی زحمت کشیده‌اند تا نسخه فارسی اثر تهیه شود، درست مثل مترجم کتاب.

عامری: به‌نظر شما در کلاس‌های آموزش ترجمه فیلم بیشتر باید بر روی چه نکاتی تأکید کنیم؟

گودرزی: به‌نظرمن، کلاس‌ها مترجم نمی‌سازند و شخصاً انتظار ندارم کسی با گذراندن دوره‌ای مترجم شود. اما کلاس می‌تواند آگاهی و سرنخ بدهد و مسیر را برای علاقه‌مندان این حرفه روشن کند. به‌نظرم باید به علاقه‌مندان گفت که شخصی می‌تواند مترجم شود که ذوق و استعداد نوشتن داشته باشد. مترجمی ریاضی نیست که با یادگرفتن فرمول بتوانیم مسائل را حل کنیم. چم‌وخم بسیار دارد. هوش می‌خواهد و تسلط به دو زبان، مطالعه مستمر و ورزیده نگه‌داشتن زبان، هم بیگانه و هم مادری.

عامری: و سخن پایانی شما؟

گودرزی: از شما سپاسگزارم که به موضوع مهجور اما مهم ترجمه فیلم می‌پردازید.
